

راهنمای مشاوران مسیحی  
فصل بیست و دوم

**Christian Counselors  
Manual**

نویسنده: جی آدامز  
مترجم: شاهرخ صفوی

## پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل بیست و دوم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهل فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند شوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

## فصل بیست و دوم سرسپردگی متقاضی

تنها صحبت راجع به مسائل هیچ وقت کافی نخواهد بود. هر صحبتی در جلسات مشاوره مسیحی باید جانب راه حل کلام خدا را بگیرد. به همین خاطر ضروری است که وقت صرف شده هر جلسه اوج خود، یعنی سرسپردگی متقاضی به تکالیف خانگی را داشته باشد.

در اتمام هر جلسه، مشاور باید تکالیف خانگی مربوط به آنچه راجع به آن صحبت شده را برای متقاضی شرح دهد و سپس از او بخواهد آن را انجام داده به جلسه بعد بیاورد. معمولاً این تکالیف خانگی را مشاور (پیرو بحث پیرامون آیاتی که مربوط به مسئله بوده و کاری که باید انجام شود، یا بخاطر گشایشی که برای متقاضی ایجاد شده) در همان جلسه روی کاغذ می نویسد و سپس سرسپردگی متقاضی را نسبت به انجام آن را بدست می آورد و با دعا جلسه را خاتمه می دهد (۱). این کاری است که در یکایک جلسات مشاوره مسیحی باید انجام شود (۲).

طبیعتاً در جریان جلسه ممکن است موضوع های مختلفی مورد بحث قرار بگیرند. هر موضوعی را می توان با نوشتن تکلیف مربوط به آن پایان داد. در خاتمه جلسه نیز مشاور می تواند تمام تکالیف نوشته شده را قبل از تقدیم به متقاضی باز خوانی کند. ممکن است لازم باشد نشان دهد چگونه تکلیف اول با تکلیف دوم رابطه دارد و به این شکل اهمیت و اولویت تکالیف را مکشوف نماید ("پرویز خان، هر گاه مقدار بدهی و دارائی های خود را جمع کردید، آنوقت خواهید توانست همراه سوسن خانم بودجه ای را تهیه کرده و آنچه لازم و نالازم است را در بیاوید").

لازم است جلسه مشاوره را به جانب سرسپردگی متقاضی به تغییری که از طریق کلام ایجاد می گردد هدایت کرد. این تغییر ممکن است در خصوص شناخت، عقاید، یا رفتار باشد. تقریباً همیشه تغییر شناخت و عقاید، منجر به تغییر رفتار می گردند. بخاطر همین است که باید به موضوع "صحبت" در مشاوره رسیدگی کرد. برای بعضی افراد، صحبت در جلسات مشاوره تنها بخاطر آنکه لازم و مفید است انجام می شود. من راجع به این موضوع در فصل دهم صحبت کرده ام. صحبتی که جانب و راه حل کلام خدا را پیش نگیرد بزرگ ترین عامل تخریب و انهدام خواهد شد.

### آیا صحبت درمان است؟

کلاید نرَمور Clyde Narramore مهمترین اصل موضوع را در کتاب خود، "روانشناسی مشاوره" (۳)، نادیده گرفته است. نرَمور صحبت را "درمان ساز" می شمارد. صحبت در نظر او برای روشن سازی، رهائی، و درمان لازم است. چنین برداشتی در چهار چوب مشاوره نتیجه مخربی را خواهد داشت. کلام خدا صحبت را به خودی خود مفید نمی شناسد. و همچنین صحبت را صرفاً بخاطر روشن سازی و رهائی از احساسات ناگوار می شناسد. در حقیقت کلام خدا هشدار های بسیاری از استفاده این چنین می کند (۴). چون صحبت معمولاً آسایش را به جای می آورد، نرَمور فکر می کند درمان ساز است. ولی چون این برداشت از درک نادرست از وضعیت سر چشمه می گیرد، سطحی و گمراه کننده است. درست است که صحبت راجع به مسائل و مشکلات آسایش را بجای می آورد، ولی این آسایش معمولاً کوتاه مدت است (۵). پس از مدت کوتاهی، چنین صحبت ها ممکن است ایجاد مسائل بزرگتری را بکنند (۶). نرَمور متوجه این موضوع نیست که صحبت راجع به مسئله معمولاً نه تنها آن را تقلیل نمی دهد بلکه به آن می افزاید.

۲۳: در هر محنت، منفعتی است، اما از سخن خالی، تنها فقر به بار آید.

صحبت به خودی خود کاری جز برافراشتن دوباره مسئله برای متقاضی نمی کند. البته با صحبت راجع به مسئله ممکن است آسایشی موقت بدست آید. پس از آنکه بار مسئله از دوش او برداشته شد ممکن است برای مدت پنج دقیقه، پنج ساعت، یا حتی پنج روز احساس بهتری را بکند. اما پس از مدتی، متوجه خواهد شد که صحبتی که داشته مسئله را برایش حل نکرده است. مسئله کماکان در جای خود باقی است (و شناخت چنین حقیقتی خود باعث یأس و ناامیدی می شود)، و نظر به آنکه "مشاور" راه حلی را در میان نیاورده، متقاضی نتیجه خواهد گرفت که امیدی برای از میان بردن آن وجود ندارد. در واقع با روشن کردن مسئله، کاری که مشاور کرده گسترش مسئله است (با اضافه کردن ناامیدی)؛ قبلاً تمام ابعادی که مسئله داشته را نمی دانست. صحبت خالی مانند آن است که پوسته زخم را باز کرد و سیخ به درون آن زد(۷).

مقاله زیر که در نشریه مؤسسه آموزش مشاوره مسیحی(۸) منتشر شده این موضوع را با تفصیل روشن می کند:

این اولین از سه مقاله ای است که به نام "چهار شکست حیاطی"، Four Fatal Failures، نوشته شده است. مشاوران مسیحی نه تنها باید از این شکست ها پرهیز کنند، بلکه وقتی ایجاد شدند بدانند چگونه آن را تصحیح نمایند. در مقابل هر شکستی، اصل مشاوره مهمی وجود دارد که باید رعایت شود.

طریق مواجه شدن با گناه (Nouthetic Confrontation) Nouthesia، صحبت راجع به گناه را همراه دارد؛ همه نوع مشاوره آن را همراه دارد. هیچ کسی، پیرو هر عقیده ای که باشد، نمی خواهد از اهمیت صحبت راجع به مسئله بکاهد. حتی پیروان فروید و راجرز صحبت را اساس مشاوره می شمارند. اما صحبتشان روانکاوی است و بازتاب مسئله ای است که عمده‌تاً در مسیر غلط حرکت می کند و هیچ شباهتی با آنچه کلام خدا "مشاوره" نامیده ندارد. ولی متأسفانه عقیده ای رواج یافته مبنی بر اینکه نوعی مشاوره هست که تنها تکیه بر صحبت می کند که می تواند کمک کند و هیچ ضرری نیز نداشته باشد. اما آنچه از آن استنباط می گردد نشان داده که صحبت خالی زُرر دارد.

اما شما نیز ممکن است مخالفت کنید و بگوئید، "صحبت کردن در جلسات مشاوره احساس راحتی را بجای می آورد. بعنوان مثال عقیده "هایم گینوت" Haim Ginott راجع به صحبت از احساسات را در نظر بگیرید. او عقیده دارد که صحبت راجع به تأثیراتی که مسئله دارد، خصوصاً تأثیراتی که حس می شود، کمک می کند تا متقاضی شفای خود را بدست گیرد. آیا فکر می کنید عقیده او اشتباه است؟" بله اشتباه است و کمک نمی کند. اشتباه عمده و حیاطی که در آن است عقیده ایست که رفاه موقتی که در نتیجه صحبت بدست می آید را کافی می شمارد. ولی در حقیقت صحبت خالی کاملاً با شکست مواجه می شود چون تنها، تمرکز بر مسئله می کند و نه راه حل آن. صحبت راجع به مسئله با روانشناس، با مادر، رفیق، و غیره، فشار وارده را کمتر می کند، اما فراتر از آن نمی رود. پنج دقیقه یا پنج روز دیگر متقاضی متوجه خواهد شد که مسئله در جای خود باقی است، و هیچ کاری در خصوص آن انجام نگرفته و آنچه تمام آن صحبت ها برایش کرد ارزیابی موقتی بود. مسئله که اینگونه صحبت ها ایجاد می کنند شانه خالی کردن موقت از فشار های مسائل و مشکلات زندگی است.

در حقیقت صحبت خالی می تواند آسیب فراوانی را وارد سازد. آسایش موقتی که از طریق دارو یا صحبت راجع به مسئله بدست می آید، برداشتن فشاری است که متقاضی دقیقاً احتیاج به آن دارد تا توانائی مواجه شدن با آن را داشته باشد. فشار های عصبی معمولاً نشانه وخامت اوضاعی می باشند که نیاز به رسیدگی دارد. صحبتی که تنها تمرکز بر مسئله دارد؛ کسب دانش و بینش نسبت به آن، و غیره، می تواند بطور خطرناکی رفتار لازمه را به تعویق بی اندازد.

علاوه بر این، صحبت خالی ممکن است خودکشی را به بار آورد. فرض کنیم سعید همه آنچه می تواند بکند را برای حل مسئله خود کرده، و به بنبست رسیده. او به شما مشاور مسیحی رجوع کرده تا شاید خدا راه حلی برایش پیدا کند. شما نیز صحبت از ابعاد و انشعابات مسئله او می کنید و سپس او را رها می کنید. ممکن است آسایش موقتی را بدست آورد (حتی بگوید که چقدر احساس راحتی را می کند؛ احساس راحتی که ریشه عمیقی دارد تنها با کشف راه حل خدا بدست می آید)، و فکر کند که به او کمک شده است. بدون شک خبر آن که دو روز بعد سعید دست به خودکشی زده تکان دهنده خواهد بود. ولی چنین نتیجه ای را نمی توان غیر ممکن شمرد.

چه شد؟ سعید رفت و احساس بهتری را داشت؛ درب زودپز برداشته شده بود و نگاه به درون آنچه می جوشید انجام شده بود. ولی درب دوباره بسته شده و فشار درونی باز زیاد شد. ”چرا؟“ چون مشاور مسئله سعید را گشوده بود و بینش کاملی از فسادى که در آن بود را بوجود آورده بود.

”چگونه چنین کاری نهایتاً با شکست روبرو شد؟“ حد عقل سه گونه را می توان نام برد: مشاور درب زودپز را دوباره بست، بدون آنکه حرارت را خاموش کند. به عبارت دیگر، وقتی مشاور پوسته زخم را باز کرد و انگشت بر درون زخم گذاشت (چنان که راجع به مسئله صحبت کرد)، کاری که جراح در جریحه ساختن بخاطر شفا دادن می کند، را نکرد. البته یقیناً مشاور فکر می کرد جریحه ساختن شفا را نیز ایجاد می کند. ولی چنین کاری چگونه امکان دارد. تنها کاری که کرده بود، کند و کاوی درون زخم بود که درد آن را بیشتر می کند. بر خلاف جراح، آنچه فساد را ایجاد کرده بود را خارج نکرد. این کار تمام جوانب مسئله را دوباره همراه تمام ناامیدی های تازه زنده کرد. دوم آنکه چون مشاور راه حل کلام خدا را فراهم نداشت (یا حتی قدم اول در جانب آن را بر نداشت)، سعید نتیجه گرفت که راه حلی نیست (درد بی درمان). چون مشاور سعید مسیحی بود، او انتظار داشت (به درستی) خدا از طریق او کمک خواهد کرد. وقتی نکرد، سعید نتیجه گرفت (اشتباه) که حتی در خدا نیز امیدی برایش نیست. سوم، چون مشاور توانست بینش بهتری را نسبت به مسئله فراهم سازد، مسئله را برای سعید بزرگتر کرد (مسئله او شامل تمام جوانبی که داشت گردید). قبلاً مسئله او بنظر بزرگ می رسید، اما حال عظیم شده بود و هیچ امیدی برای رهایی باقی نگذاشته بود.

حال مشخص است که صحبت به تنهایی، آنگونه که بنظر می رسد بی آزار نیست. صحبت به تنهایی می تواند شخص را بقدری نا امید سازد که دست به خودکشی بزند. البته مشاور مسیحی باید راجع به مسئله صحبت کند، اما به تنهایی نباید به آن توکل کند. در غیر این صورت، امید به خدا را از میان خواهد برد.

صحبت همیشه باید جانب کاربرد کلام خدا را داشته باشد. صحبتی که جانب راه حل خدا را نداشته باشد هیچ ارزشی ندارد. هیچ کسی که با عیسی مسیح روبرو شد بدون آنکه تغییر کند بر نگشت. هر کسی را که عیسی مسیح دید، از او خواست تغییر کند. و ضمناً

هفته ها و حتی ماه ها لازم نیست تا تغییر ایجاد شود. البته الگوهای رفتار جدید ("شیوه زندگی") وقت لازم خود را نیاز دارند تا جایگزین الگوهای رفتار پیشین شوند،

#### افسیان ۴

۲۲: شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید.

ولی تغییر ابتدائی را می توان کوتاه مدت ایجاد کرد (یا حد عقل قدم اول به جانب آن). همه متقاضیان می توانند (و باید) در انتهای هر جلسه مشاوره مسیحی تغییری را بدست آورده باشند. به همین خاطر است که مشاوران باید در طول هر جلسه، متقاضیان را به جانب درک راه حل خدا بوسیله کلامش (یا حد عقل قسمتی از آن) هدایت کنند. البته هر دو باید در مورد راه حل کلام موافق بوده باشند تا مشاور بتواند جلسه را با دعا برای اطاعت متقاضی و اجرای خواست خدا به پایان برساند. مشاورى این یاد آوری را روی دیوار دفترش گذاشته:

#### هیچ وقت صحبت از مسائل نکنید

بلکه همیشه صحبت را به جانب راه حل های خدا سوق دهید

چون لازم است متقاضیان را کمک کرد تا به راه حل های خدا برسند، مشاوران نه تنها باید کلام خدا و طریق استفاده از آن را بدانند، بلکه باید بیاموزند چگونه حقایق مربوط به مسئله متقاضیان را کشف کنند تا راه حل های لازم را بیابند. این مورد نیاز به درک طرق بدست آوردن اطلاعات لازم می باشد.

## فهرست زیر نویس های فصل بیست و دوم

- (۱) معمولاً پس از دعا، بخاطر آنکه صحبت های فرعی انجام نشوند، مشاور برخاسته و دستش را برای خداحافظی به سوی متقاضی دراز میکند و درب را باز کرده آن ها را به بیرون هدایت می کند.
- (۲) سرسپردگی متقاضی (یا متقاضیان) با موافقت او در دیدار مرتب با مشاور، در ساعت معین شده، و در دفتر کشیش آغاز می گردد. ممکن است کشیش لازم بداند (یا در بعضی موارد بخواهد) جلسات را برای زمانی تعیین کند که لازم به گذشت متقاضی داشته باشد. زمانی که متقاضی بخاطر حضور در جلسات، لازم است وعده خود را با دندان پزشک، کلاس درس، شغل، و غیره، لغو کند، او (۱) سرسپردگی واقعی خود را نشان می دهد؛ (۲) معمولاً انگیزه بیشتری را دارد و در نتیجه؛ (۳) او نسبت به مشاور و جلسات مشاوره احترام کامل تری را خواهد داشت (آنچه خرج کمتری دارد معمولاً کم ارزش تلقی می شود). البته اگر مشاوران بخواهند متقاضی را در چنین مخصمه ای قرار بدهند، باید قضاوت پخته تری را بکار برند. اما در بعضی مواقع فشار وقت ملاقات محدود، چنین موقعیتی را لازم می نماید و در بعضی از جلسات لازم خواهد بود تا وقت مناسب تری فراهم شود.
- (۳) Clyde Narramore "The Psychology of Counseling"، صفحات ۴۴ و ۴۵.
- (۴) حزقیال ۳۳: ۳ تا ۳۳؛ یعقوب ۱: ۲۲ و ۲۳؛ لوقا ۱۰: ۳۶ و ۳۷. همچنین توجه به تفاوتی که پولوس میان صحبت خالی و صحبت با قدرت می کند (اول قرننثیان ۴: ۲۰) بنماید. این مورد نه تنها مربوط به مشاوره می باشد بلکه مربوط به تمام خدمات کلیسا نیز هست. همچنین در این رابطه به امثال ۱۴: ۲۳ توجه کنید: "در هر محنت، منفعتی است، اما از سخن خالی، تنها فقر به بار آید".
- (۵) بردلاک (Birdlock) مؤلف کتاب های روانشناسی در نشریه Intellectual Digest – October ۱۹۷۱ صفحات ۸۵ تا ۸۹ می نویسد، گروه های درمانی رویارویی Encounter Groups تأکید بر "احساس و ابراز" به طریق غیر عقلانی و خردمندی می کنند. ولی اضافه می کند "احساسات، صفت منحصر بفرد فکر کردن انسان را از کار می اندازد. این نهضت فاقد حقیقت می باشد چون سعی می کند مبارزات ناگزیر و پیچیده زندگی را به تخلیه زودگذر احساسات تقلیل دهد. گرایش به ابراز احساسات و صحبت راجع به آن، کسانی که مسائل و مشکلات خطیری دارند را مأیوس خواهد کرد.
- (۶) مقیاس صحبت خالی (با خود یا دیگران) با صحبت و رفتار راجع به مسئله را در مثال زیر که نشانگر جریان یأس تا امید متقاضی را در طول جلسات مشاوره نشان می دهد، می توان دید.

### صحبت خالی

۱. مشاور با مشکلات روبرو می شود
۲. مشاور دچار یأس می شود
۳. مشاور یأس خود را با مشاوران دیگر در میان می گذارد.
۴. مشاور احساس بهتری را می کند
۵. با نزدیک شدن جلسه آینده، مشاور احساس بدتری را می کند (چون نقشه تازه ای را ندارد)
۶. مشاور از خدا کمک می طلبد ولی احساس او بدتر می شود

### صحبت با رفتار

۱. مشاور با مشکلات روبرو می شود
۲. مشاور دچار یأس می شود
۳. مشاور راه حلی که برای مسئله پیدا کرده را با مشاوران دیگر در میان می گذارد تا راه حل صحیح کلام خدا را بدست آورد.
۴. مشاور احساس بهتری را می کند
۵. با نزدیک شدن جلسه آینده، مشاور بیمناک می باشد (با وجود آنکه نقشه تازه ای را دارد)
۶. مشاور از خدا کمک می طلبد و احساس او آرام می شود

۷. با نزدیک شدن جلسه آینده مشاور  
می شود
۸. مشاور پیروزمند است (نقشه تازه موفق می  
شود و او را دلگرم می کند)
۹. مشاور احساس بهتری را می کند و امید آن را  
دارد تا متقاضی میوه آورده و موفق شود
۷. با نزدیک شدن جلسه آینده مشاور  
بیمناک می شود
۸. در این جلسه مشاور شکست میخورد  
(احساس خوبی نسبت به آن ندارد چون  
راه تازه ای را ندارد و در نتیجه بیانش  
جانب منفی را خواهد داشت)
۹. مشاور احساس بدتری را می کند و امید  
آن را دارد که جلسات جاتمه یابند
- (۷) برای بحث بیشتر راجع به این موضوع به کتاب من “چتر بزرگ” The Big Umbrella، صفحات  
۹۲ و ۹۳، ۲۰۱ و ۲۰۲، مراجعه کنید. (این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)
- (۸) این نشریه را می توان با تماس با ویرایشگر آن Glen Ellyn به آدرس:  
(424 Annandale Avenue, Illinois, 60137, US) بدست آورد.